حذف الالف لاجل الوزن
اذا وصل [illegible] القرطبي [illegible]
باعادة الوصل [illegible]
الوزن [illegible]

وبه نستعين

بسم الله الرحمن الرحيم   من تاه فيه نهية الحكيم

معطي جلائل العطايا والنعم   مولى دقائق المزايا والكرم

الحمد لله الذي ابدانا   من عدم ارواحا وابدانا

الشكر لله لان يعيدنا   فاطبة ويبنا بعيدنا

تصلية ابهيها افضلها   تسليمة ابهيها اكملها

سحت على نبينا من سحبه   محمد واله وصحبه

كيف الصلوة ناالتي توالى   من منتهى جماله تعالى

كيف السلام ذا الذي صحبه   مما اختفى للحب من حبيبه

ما زانت الحقائق المرسوم   عقيدة صحيحة منظوم

فاعل زانت

وكان بي الى الاله دائما   تفضلا بكل نحو قائما

لا سيما بعث النبي المصطفى   لو لم يكن سواه ذا لي قد كفى

فانحاء حمده صلوته على   وله غدت ايضا البر لا والى

صلى الله عليه وسلم

وخمرت نفسي بايدي امل — وزلل وخلل وعلل

تكاسلت في السعي للسعاده — ما انتهضت شوقا الى العباده

في مركض الطول لذا اجول — مكررا امو نجا اقول

موعدك الصبح اليس بل غدا — يعلو صدى ندا ابدا او الغدا

الى متى تخلفي عن قومي — يومي الى نومي اذان يومي

فمرحبا بالقائلين عدلا — وبالصلوة مرحبا واهلا

فاذنا تاذينا وثوب — يا جبلي ليا جبال اوبي

مبسملا محمدلا مصليا — مسلما مسليا مصليا

محوقلا وسائلا وسائلا — مبتهلا باسط كف قائلا

فاح الصبا لاح الصباح راحا — صبوحنا قم صاح هات راحا

عونا

انسان چونکه با حدیث نبوی بعرفت که در این زبان ایمان بعلم الظاهر مربوطات دیده که معرفت
بعبادت و عبادت موقوف فقها که در این زبان و تحصیل ایمان و کشف مربوطات و وعده‌ات رسید آنوقت
بعبادت باصطلاح فقها تعریف کنند و تصفیه و ... کنند و وعده‌ات و تعینات رسید و قیام
معبودیت ... معرفت را بایمان تعریف و علم الباطن بتزکیه و تصفیه و تکاسل و ... از شب کثرت و تعینات کنایه اند و از غفلت الله
تناهی ... و استدلال آیات و علم الباطن ... ذات ... بیجیه ... که از شب ... بحجاب و غفلت است کنایه اند بنابر این ناظم بعضی
وابسته بنظر و استدلال آیات و عبادات سنی ... مقصود ... بهره ذات بیچون عارفی بحجاب ... ابد و بکلی انداخته بلکه صدای
از تقلید و امثال تنفر و در عبادات مقصود ... شده و در این ... سنی ... بیان است نیست بلکه نزدیک علم الظاهر
صبح مطلوب از افق استدلال با غدات ... شده خواهم ... که ... انداختن ... صبح داده است ازصبح علم
حرکت خواهم نمود بعبادت بعید ... شغل خواهم و جواب ... ابر ... کرده ... و وعده آنرا صبح ... ناظم ... عقلت
نیابد اعراض نماید و وعده آمده صبح بیند ... کردند و وعده ... ببیند صبح ... محتمل ... از شب غفلت
خطاب بانفس خودت نماید که شبها را بغفلت گذران کرده و ببیند صبح را که بعد از آن تهدید
ندارد نماید از هر طرف بلند شد که صبح آید و از آن ندانات ... صبح ... و صبح صبح ... آید و از آن ساعت
ندانت پند یا ... از هر طرف بلند شد که بعد از شب شدت آید و از ندانات ... بعد از شب ظلمت معارض اسباب
ابتلی صبح اراده کرده باشد که بعد از شب ... از صبح صبح توبه که بعد از اندانات اشراط و علامات از امثال
شب جوانی ظهور کرده و از ندانات حالیه قرآن ... از صبح ... ظاهر شود و از ندانات اشتراط و امرش
واندارات شارع یا از صبح صبح قیامت که بعد از شب دنیا ظاهر شود و از ندانات خواهد شد و اصحاب تصفیه
یا از صبح صبح حصول مطلب که از تاریکی ترکیب مقدمات استدلال بر اید ارباب احوال و اصحاب ... از بیان
انظروا و تفکروا و اذکروا استفاده خواهد شد و با بنا بر شباب ... باسته منار لا در قوس نزول از تقید بقید
از صبح یکی از صبحهای ... که در مرات حضرات خمسه با نسبت ظهور خواهد نمود کما تقید
مظاهر کثرت و تعین تا آخر مراتب که حقیقت جامعه انسانیه است ظهور ... از صبح صبحهای که متصاعد
نظهور اتم مما قبله و از ندانات دلالت مظاهر وابتهاج که مجالی تجلیات شده یا از صبح جانب الوحدة
واحدا بعد واحد من هذه المرتبة السفلی الی المرتبة الاخری العلیا متجردا من الکثرة الی تجرد و استراح
و مترقیا من الکثافة الی اللطافة الی ان ینطفی المصباح و یطلع الصباح و اناخ الشک و حیاته و وافق
و از ندانات جلوهای حسن اسماء و صفات و ظهور تجلی بیچون ذات اراده کرده باشد و مطابق هر مقام
علیک بالحرکة عن السکون هر گاه از ظاهر بیرون شد و بباطن اندرون نهاد مطابق جواب الاذان
جواب مؤذنان خواهد داد در فقره ظاهریه فمرحبا بالقائلین عدلا الی آخر جواب چنانکه از بیت
تلفظ خواهد نمود و در فقره مقام باطنیه مطابق ندای مؤذن خواهد گفت چنانکه از بیت اشاره بدان است که بعد از
فاذنا تا ذینه الخ مستفاد میشود و در تقدیر این بیت بحرف عطف فا اشاره بدان فاذا اجبته
... وتصف ... شود و شربت فنا از ... اما عند ...

عونا لحفظ العهد والايمان صونا للاعتقاد والايمان

يا رجل لا دلة السليمة هل سلم الطى النهى السليمة

اذ كان عقلنا الناعقالا من عاقل او ناقل ع قالا

مهمه هيا ذاعمه في مهمه ليس لدير شبر بالشبر

فكل ما تبصره و تسمع وكل ما في وهم علم يقع

وكل خاطر جرى ببالكا فربنا على خلاف ذلكا

جل الذي كل نهى صفاته في ذاته وفي علا صفاته

ما وصل الازل لابتداه وما انتهى الابد لانتهاه

وجد لا فوجد او ثم وجد وجب فيه كوجوده وجد

لا صبح لا يوم لديه لا مسا ولم يكن حين فناه لا مسا

بما به هدایتی فی العاجل | وما به وقایتی فی الآجل

شرفنی بنعمة ذی الانعام | تاسع ذی الحجة بالاتمام

فی حرقة من فرقة وبین | وغرقة فی بحر دمع عین

قلت لمن تاریخ ذاك اما | فی غرفة مع دمع عین تما

اخفقید لحضرة الوسیله | محمد سمیته الفضیلة ۱۲۸۵ ۲

اسمه الشریف عن الکیال المکائیل ... الاوقار والاجلال ومن غایة التضرع والابتهال لتجلی ظهور حضرة جمال ذی الجلال لانه هو نهایة الآمال والاوله

مضی المدی وبلغ الکتاب | اجله واقترب الحساب

لبال من باله فی الهیام | الی اوان اهبة الختام

طفقت سیول الشوق والتمنی | الی متی الدثار یا مغنی

فلابد من طلعتك اللامع | من مغرب البرد لیل الساطع

علامة رقمة

البیت (أشعارها) الخ -
والهامش (تذکیر الضمیر الخ)
من خط ید الناظم
(مولوی) رحمه الله -
[فاتح]
۱۴۰۸ هـ

اشعارها بحاجات لطباق الغرض ... لکل المرض ... تذکیر الضمیر ... باعتبار النظم ... بیان الطباق ... الابیات ... [illegible]

رمزًا من الرموز للمدثر　　فسر فهم فسر فانذر بشر

غن وفي تغنية للتسلية　　ادلنا حمدلة وتصلية

ما دام من قد رشيق رائق　　شوى الهوى فؤاد صب وامق

وطلعت من مشرق التجريد　　بيضا عقد عصبة التوحيد

تحية حمد وشكر وثنا　　لله ربنا العظيم ذي السنا

وصلة الصلاة والسلام　　على النبي المصطفى التهامي

وآله وصحبه البررة　　وحزبه والعترة الطاهرة

عمت لنا ببعثه الموائد　　صحت وتمت بهم العقائد

للتواصل بخصوص المخطوطات

يرجى الاتصال على

+964-770118 0856

او

muhmaz@gmail.com